



# پاسخنامه

دوازدهم انسانی

نظر نجات  
۲۲ دی ماه ۱۴۰۲

تلاشی در مسیر موفقیت

بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام)

۰۲۱-۶۴۶۳

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلمچی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

# پدید آورندگان آزمون

## طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام طراحان	نام درس
محمد بحرایی، ابوالفضل بهاری، گلناز بینقی، محمدابراهیم توننده جانی، آروین حسینی، محمد حمیدی، احمدرضا ذاکرزاده، سعید عزیزخانی، علی قهرمانزاده، فرشید کریمی	ریاضی و آمار
سیدعلیرضا احمدی، محمدمامین داداش فام، سید علیرضا علویان، سجاد غلامپور سیوکی، فرهاد فروزان کیا، مجتبی فرهادی، یاسین مهدیان، شیوا نظری، هومن نمازی	علوم و فنون ادبی
امیرمهدی افشار، ریحانه امینی، مهرشاد ایمانی نسب، آزیتا بیدقی، کوثر شاه حسینی، فاطمه صفری، حبیبه محبی	جامعه شناسی
امیرحسین شکوری، حسین رضائی، حمیدرضا قائدامینی، مرتضی کاظم شیرودی، روح الله گلشن، سید محمدعلی مرتضوی، علی محسنزاده	عربی زبان قرآن
صفا حاضری، امیرحسین کاروین، محمد ملک آبادی زاده، جواد میربلوکی	تاریخ و جغرافیا
حسین آخوندی راهنماچی، محمد آفاضالح، پرگل رحیمی، سبا جعفرزاده صابری، محمد رضایی بقا، موسی سپاهی، حمید سودیان، فرهاد قاسمی نژاد، فیروز نژادنجف، علیرضا نصیری	فلسفه و منطق

## گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستار	ویراستار رقیه برتر کنگور	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمدابراهیم توننده جانی	محمد بحرایی	مهدی ملار مضانی، آروین حسینی، محمد حمیدی	_____	الهه شهبازی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی نژاد	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی نژاد	یاسین مهدیان	آرش مرتضائی فر	فریبا رفوفی
جامعه شناسی	کوثر شاه حسینی	کوثر شاه حسینی	فاطمه صفری	آرش مرتضائی فر، مهتاب شیرازی	زهره قموشی
عربی زبان قرآن	احسان کلاته عربی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	_____	لیلا ایزدی
تاریخ و جغرافیا	زهره دامیار	زهره دامیار	_____	فاطمه عزیزبی	عطیه مخلوچی
فلسفه و منطق	سبا جعفرزاده صابری	علیرضا نصیری	فرهاد علی نژاد	_____	سوگند بیگلری

## گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	فاطمه منصورخاکی
گروه مستندسازی	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: زهره قموشی
حروف چین و صفحه آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی

## ریاضی و آمار (۳)

## ۱- گزینه «۴»

(مهمبر ابراهیم توزنده‌بانی)

برای رفتن از A به B، ۵ حالت و از B به C، ۴ حالت و از C به D، ۳ حالت داریم که طبق اصل ضرب  $۴ \times ۳ \times ۵ = ۶۰$  حالت برای رفتن داریم. در مسیر برگشت از هر یک از مسیرهای رفت که آمده باشیم نمی‌توانیم برگردیم، بنابراین برای برگشت از D به C، ۲ حالت و از C به B، ۳ حالت و از B به A، ۴ حالت داریم که طبق اصل ضرب برای برگشت  $۲ \times ۳ \times ۴ = ۲۴$  حالت داریم؛ در مجموع برای رفت و برگشت  $۶۰ \times ۲۴ = ۱۴۴۰$  حالت داریم.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۴)

## ۲- گزینه «۳»

(مهمبر بهیرایی)

ابتدا ۵ کتاب را به طوری که تعداد کتاب‌های ریاضی بیش‌تر باشد، انتخاب می‌کنیم و طبق شرایط مسئله جایگشت می‌دهیم، این کار به دو حالت زیر امکان‌پذیر است:

$$۴ = \binom{۴}{۴} \times \binom{۶}{۱} \times ۴! \times ۱! \times ۲!$$

$$= ۱ \times ۶ \times ۲۴ \times ۱ \times ۲ = ۲۸۸$$

یا

$$۳ = \binom{۴}{۳} \times \binom{۶}{۲} \times ۳! \times ۲! \times ۲!$$

$$= ۴ \times ۱۵ \times ۶ \times ۲ \times ۲ = ۱۴۴۰$$

$$\xrightarrow{\text{اصل جمع}} ۲۸۸ + ۱۴۴۰ = ۱۷۲۸$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۱۱)

## ۳- گزینه «۲»

(فرشید کریمی)

در پاسخ‌گویی به سؤالات ۴ گزینه‌ای حالتی است که می‌توانند پاسخ هم ندهند:

$$۲۵^۵ = (۵^۲)^۵ = ۵^{۱۰} = ۵ \times ۵ \times \dots \times ۵ = ۵ \times ۵ \times \dots \times ۵$$

$$۲۵^۵ = ۲ \times ۲ \times ۲ \times ۲ \times ۲ = ۲^۵$$

$$۲۵^۵ \times ۲^۵ = ۵^۵$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۴)

## ۴- گزینه «۴»

(مهمبر بهیرایی)

مجموع دو عدد رو شده در ۲ تاس به صورت زیر است.

مجموع دو تاس	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
تعداد حالات	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۵	۴	۳	۲	۱

بنابراین در  $۱+۲+۳=۶$  حالت مجموع بزرگ‌تر از ۹ می‌شود که تاسسوم را پرتاب می‌کنیم یعنی  $۶ \times ۶ = ۳۶$  حالت به دست می‌آید.و در  $۱+۲+۳+۴+۵+۶+۵+۴=۳۰$  حالت مجموع عددی یک رقمیمی‌شود و یک سکه پرتاب می‌کنیم یعنی  $۳۰ \times ۲ = ۶۰$  حالت به دست

می‌آید.

$$\Rightarrow n(S) = ۳۶ + ۶۰ = ۹۶$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

## ۵- گزینه «۲»

(سعید عزیزقانی)

اگر بخواهیم عدد سه رقمی حاصل زوج باشد، رقم یکان آن باید ۲ یا ۴ یا ۶ یا ۸ باشد، حالا برای رقم صدگان دو حالت داریم:

حالت اول: رقم یکان ۲ یا ۴ باشد و رقم صدگان یکی از سه رقم باقی مانده

مخالف صفر است.

$$۳ \times ۳ \times ۲ = ۱۸$$

حالت دوم: رقم یکان صفر باشد رقم صدگان ۴ حالت دارد و رقم دهگان نیز

۳ حالت دارد.

$$۴ \times ۳ \times ۱ = ۱۲$$

در نهایت داریم:

$$۱۸ + ۱۲ = ۳۰ = \text{مجموع تعداد حالات‌ها}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

## ۶- گزینه «۲»

(ابوالفضل بهاری)

در جعبه ۷ مهرهٔ بنفش و n مهرهٔ نارنجی داریم، پس  $n+۷$  مهره داریمتعداد حالت‌هایی که ۳ مهره خارج می‌شود،  $\binom{n+۷}{۳}$  است، پس:

$$\binom{n+۷}{۳} = ۱۲۰ \Rightarrow \frac{(n+۷)(n+۶)(n+۵)}{۳!} = ۱۲۰$$

$$\Rightarrow (n+۷)(n+۶)(n+۵) = ۷۲۰$$

$$\Rightarrow (n+۷)(n+۶)(n+۵) = ۱۰ \times ۹ \times ۸$$



$$= \frac{10 \times 9 \times 8!}{2! \times 8!} = 45$$

(تعداد زیرمجموعه‌های دارای حداقل ۳ عضو) =

(تعداد زیرمجموعه‌های دارای صفر یا یک یا دو عضو) - (تعداد کل زیرمجموعه‌ها)

$$= 1024 - (1 + 10 + 45) = 968$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۱۱)

۹- گزینه «۳»

(مهم‌ابراهیم توزندهانی)

مساله را در دو حالت بررسی می‌کنیم:

الف) به یک کشور ۳ توریست سفر کنند و به ۳ کشور باقیمانده، هر کشور، یک توریست سفر کند.

$$\binom{4}{1} \times \binom{6}{3} \times 3! = 480$$

حالت دوم: ۲ توریست همزمان به یک کشور، ۲ توریست دیگر هم همزمان به یک کشور دیگر، از ۲ توریست باقیمانده هم هر کدام به یک کشور از کشورهای بعدی سفر کنند.

$$\binom{4}{2} \times \binom{6}{2} \times \binom{4}{2} \times 2! \times 1 = 1080$$

حال طبق اصل جمع و ضرب و حالت‌های (الف و ب) داریم:

$$\binom{4}{1} \times \binom{6}{3} \times 3! + \binom{4}{2} \times \binom{6}{2} \times \binom{4}{2} \times 2 = 480 + 1080 = 1560$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۱۱)

۱۰- گزینه «۱»

(گلناز بیفتی)

قسمت رنگی شامل عضوهایی است که در C هست ولی در A نیست یا عضوهایی که در B هست ولی در A نیست. پس نمایش آن به صورت  $(B \cup C) - A$  است که می‌توان آن را به صورت  $(B \cup C) - A$  نیز نوشت. هم‌چنین داریم:

$$(B \cup C) - A = (B \cup C) \cap A'$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۶)

۱۱- گزینه «۱»

(مهم‌بیرایی)

رقم صدگان صفر نمی‌تواند باشد، رقم دهگان رقم انتخاب شده در صدگان و رقم یکان دو رقم انتخاب شده قبلی نمی‌تواند باشد:

$$n(S) = 5 \times 5 \times 4 = 100$$

$$\Rightarrow \begin{cases} n + 7 = 10 \Rightarrow n = 3 \\ n + 6 = 9 \Rightarrow n = 3 \\ n + 5 = 8 \Rightarrow n = 3 \end{cases}$$

۳ مهره نارنجی داریم، حال تعداد حالت‌هایی که هر ۳ مهره هم‌رنگ باشند را به دست می‌آوریم:

$$\binom{3}{3} + \binom{7}{3} = 1 + \frac{7 \times 6 \times 5}{1 \times 2 \times 3} = 1 + 35 = 36$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه ۸ تا ۱۱)

۷- گزینه «۳»

(مهم‌ابراهیم توزندهانی)

این سؤال ترکیبی از اصل متمم و جایگشت‌های کنار هم است، به کمک اصل متمم تعداد جایگشت‌هایی که هر دو عبارت KHANE و WO دیده می‌شوند را از تعداد جایگشت‌هایی که فقط عبارت KHANE دیده می‌شود کم می‌کنیم.

تعداد کل حالات شامل KHANE:

$$[KHANE], W, O, R, K$$

$$5! = 120$$

تعداد حالت‌های که هم KHANE و هم WO دیده می‌شوند (حالات نامطلوب):

$$[KHANE], [WO], R, K = 4! = 24$$

لذا در نهایت داریم:

$$120 - 24 = 96$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

۸- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌های)

چون تعداد حالات اصلی زیاد است، پس متمم را به دست می‌آوریم و از کل حالات کم می‌کنیم:

تعداد کل زیرمجموعه‌های یک مجموعه‌ی ۱۰ عضوی

$$= 2 \times 2 \times 2 \times \dots \times 2 = 2^{10} = 1024$$

$$= \binom{10}{0} = 1 \text{ تعداد زیرمجموعه‌های } 0 \text{ عضوی}$$

$$= \binom{10}{1} = 10 \text{ تعداد زیرمجموعه‌های } 1 \text{ عضوی}$$

$$= \binom{10}{2} = \frac{10!}{2! \times 8!} \text{ تعداد زیرمجموعه‌های } 2 \text{ عضوی}$$



۱۳- گزینه «۳»

(اعمر رضا ذاکر زاده)

برای آن که تعداد اعضای انتخابی دو گروه متفاوت باشد باید دو نفر از گروه ریاضی و دو نفر از گروه تجربی نباشند، پس ابتدا احتمال پیشامد متمم را به دست می آوریم، سپس از ۱ کم می کنیم:

$$P(A) = 1 - \frac{\binom{4}{2} \times \binom{6}{2}}{\binom{10}{4}} = 1 - \frac{6 \times 15}{210} = 1 - \frac{3}{7} = \frac{4}{7}$$

(ریاضی و آمار، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۳ تا ۲۷)

۱۴- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

هر یک از موارد را بررسی می کنیم:

«الف»: بیشتر شدن پراکندگی متغیر مورد بررسی سبب بزرگ‌تر شدن نمونه انتخابی می شود.

«ب»: توصیف داده‌های کمی نیاز به شاخص‌های پراکندگی و مرکزی دارد.

«ج»: بعد از تحلیل داده‌ها می توانیم در بهترین حالت نتایج را به جامعه آماری مورد بررسی تعمیم دهیم.

«د»: صحیح است.

(ریاضی و آمار، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲۸ تا ۳۴)

۱۵- گزینه «۳»

(علی قورمان زاده)

می دانیم مجموع دو تاس از ۲ تا ۱۲ می تواند باشد. با توجه به خواسته سؤال تنها اعداد ۳، ۵، ۷، ۱۱ قابل قبول هستند.

مجموع ۳:  $\{(1,2), (2,1)\}$

مجموع ۵:  $\{(1,4), (2,3), (3,2), (4,1)\}$

مجموع ۷:  $\{(1,6), (2,5), (3,4), (4,3), (5,2), (6,1)\}$

مجموع ۱۱:  $\{(5,6), (6,5)\}$

بنابراین داریم:

$$n(A) = 14$$

$$\Rightarrow P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{14}{46} = \frac{7}{23}$$

(ریاضی و آمار، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۳ تا ۲۷)

برای به دست آوردن  $n(A)$  باید تعداد اعداد سه رقمی زوج با ارقام متمایز و بزرگ‌تر از ۴۰۰ را مشخص کنیم:

$$\frac{2}{5} \times \frac{4}{4} \times \frac{1}{3} = 8$$

صفر باشد

یا

$$\frac{1}{5} \times \frac{4}{4} \times \frac{1}{3} = 4$$

باشد ۴

یا

$$\frac{2}{5} \times \frac{4}{4} \times \frac{1}{2} = 8$$

باشد ۲

$$\Rightarrow n(A) = 8 + 4 + 8 = 20$$

$$\Rightarrow P(A) = \frac{20}{100} = \frac{1}{5}$$

(ریاضی و آمار، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۳ تا ۲۷)

۱۲- گزینه «۲»

(فرشید کریمی)

مطابق شکل، فضای نمونه‌ای تمام حالات انتخاب ۳ نقطه از ۸ نقطه روی دو خط است که تعداد اعضای آن برابر است با:



$$n(S) = \binom{8}{3} = \frac{8 \times 7 \times 6}{3!} = 56$$

برای آن که بتوان با ۳ نقطه یک مثلث ساخت، دو حالت وجود دارد:

حالت اول: ۲ نقطه روی خط D و یک نقطه روی خط D' باشد که در این حالت تعداد مثلث‌ها برابر است با:

$$\binom{4}{2} \times \binom{4}{1} = 24$$

حالت دوم: ۲ نقطه روی خط D' و یک نقطه روی خط D باشد که در

این حالت تعداد مثلث‌ها برابر است با:

$$\binom{4}{2} \times \binom{4}{1} = 24$$

اگر A پیشامد مطلوب باشد آن گاه:

$$n(A) = 24 + 24 = 48$$

$$\Rightarrow P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{48}{56} = \frac{6}{7}$$

(ریاضی و آمار، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۳ تا ۲۷)

۱۶- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمانهای با کمی تغییر)

$$a_1 = 1 = \frac{1 \times 2}{2}, a_2 = 2 + 1 = 3 = \frac{2 \times 3}{2}, a_3 = 3 + 2 + 1 = 6 = \frac{3 \times 4}{2}$$

$$\Rightarrow a_n = \frac{n(n+1)}{2} \Rightarrow a_5 = \frac{5 \times 6}{2} = 15$$

$$15 + \frac{n(n+1)}{2} = 43 \Rightarrow \frac{n(n+1)}{2} = 28$$

$$\Rightarrow n(n+1) = 56 \Rightarrow n^2 + n = 56$$

$$\Rightarrow n^2 + n - 56 = 0$$

$$(n+8)(n-7) = 0$$

$$\begin{cases} n = -8 & \text{غ ق} \\ n = 7 & \text{ق ق} \end{cases}$$

$$\begin{cases} n = -8 & \text{غ ق} \\ n = 7 & \text{ق ق} \end{cases}$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای قطعی، صفحه‌های ۵۲ تا ۶۰)

۱۷- گزینه «۲»

(آرئین حسینی)

با توجه به نمودار میانگین برابر ۲۱ است. (بلندی مستطیل)

$$\bar{x} = \frac{21 + 18 + a + 20 + 24}{5} = 21 \Rightarrow 83 + a = 105 \Rightarrow a = 22$$

اکنون با داشتن  $a = 22$  واریانس داده‌ها را بدست می‌آوریم:

$$\sigma^2 = \frac{(21-21)^2 + (18-21)^2 + (22-21)^2 + (20-21)^2 + (24-21)^2}{5}$$

$$\Rightarrow \sigma^2 = \frac{0 + 9 + 1 + 1 + 9}{5} = \frac{20}{5} = 4$$

$$\text{انحراف معیار} = \sqrt{\sigma^2} = \sqrt{4} = 2$$

ارتفاع میله (انحراف معیار) + ارتفاع مستطیل (میانگین) =  $b$

$$\Rightarrow b = \bar{x} + \sigma = 21 + 2 = 23$$

$$a - b = 22 - 23 = -1$$

(ریاضی و آمار، (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۳۴ و ۳۵)

۱۸- گزینه «۲»

(معمد ممیری)

$$n=1 \Rightarrow a_3 = a_2 + 4a_1 - (1)^2 \Rightarrow a_3 = 4 + 4(4) - 1 = 19$$

$$n=2 \Rightarrow a_4 = a_3 + 4a_2 - (2)^2 \Rightarrow a_4 = 19 + 4(4) - 4 = 31$$

$$n=3 \Rightarrow a_5 = a_4 + 4a_3 - (3)^2 \Rightarrow a_5 = 31 + 4(19) - 9 = 98$$

$$n=4 \Rightarrow a_6 = a_5 + 4a_4 - (4)^2 \Rightarrow a_6 = 98 + 4(31) - 16 = 206$$

$$n=5 \Rightarrow a_7 = a_6 + 4a_5 - (5)^2 \Rightarrow a_7 = 206 + 4(98) - 25 = 523$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای قطعی، صفحه‌های ۵۲ تا ۶۰)

۱۹- گزینه «۱»

(ابوالفضل بوعاری)

ابتدا چند جمله اول دنباله را به دست می‌آوریم:

$$a_1 = \left[ \frac{5(1)+1}{3(1)+1} \right] = \left[ \frac{6}{4} \right] = [1/5] = 1$$

$$a_2 = \left[ \frac{5(2)+1}{3(2)+1} \right] = \left[ \frac{11}{7} \right] = 1$$

$$a_3 = \left[ \frac{5(3)+1}{3(3)+1} \right] = \left[ \frac{16}{10} \right] = [1/6] = 1$$

جملات این دنباله همگی برابر ۱ هستند، بنابراین مجموع ۱۷۰ جمله اول

برابر است با:

$$170 \times 1 = 170$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای قطعی، صفحه‌های ۵۲ تا ۶۰)

۲۰- گزینه «۱»

(سعید عزیزقانی)

جملات دنباله را به ترتیب از جملات دوم تا دهم به دست می‌آوریم:

$$n=2 \xrightarrow{\text{فرد}} a_2 = (-1)^2 \left( \frac{2+1}{2} \right) = \frac{3}{2}$$

$$n=3 \xrightarrow{\text{زوج}} a_3 = (-1)^3 \left( 1 - \frac{1}{3} \right) = -\frac{2}{3}$$

$$n=4 \xrightarrow{\text{فرد}} a_4 = (-1)^4 \left( \frac{4+1}{4} \right) = \frac{5}{4}$$

$$n=5 \xrightarrow{\text{زوج}} a_5 = (-1)^5 \left( 1 - \frac{1}{5} \right) = -\frac{4}{5}$$

$$\Rightarrow a_2 \times a_3 \times a_4 \times a_5 = \frac{3}{2} \times \left(-\frac{2}{3}\right) \times \frac{5}{4} \times \left(-\frac{4}{5}\right) = 1$$

$$n=6 \xrightarrow{\text{فرد}} a_6 = (-1)^6 \left( \frac{6+1}{6} \right) = \frac{7}{6}$$

$$n=7 \xrightarrow{\text{زوج}} a_7 = (-1)^7 \left( 1 - \frac{1}{7} \right) = -\frac{6}{7}$$

$$n=8 \xrightarrow{\text{فرد}} a_8 = (-1)^8 \left( \frac{8+1}{8} \right) = \frac{9}{8}$$

$$n=9 \xrightarrow{\text{زوج}} a_9 = (-1)^9 \left( 1 - \frac{1}{9} \right) = -\frac{8}{9}$$

$$n=10 \xrightarrow{\text{فرد}} a_{10} = (-1)^{10} \left( \frac{10+1}{10} \right) = \frac{11}{10}$$

$$\Rightarrow a_6 \times a_7 \times a_8 \times a_9 \times a_{10} = \frac{7}{6} \times \left(-\frac{6}{7}\right) \times \frac{9}{8} \times \left(-\frac{8}{9}\right) \times \frac{11}{10} = \frac{11}{10}$$

در نهایت داریم:

$$1 + \frac{11}{10} = \frac{21}{10}$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای قطعی، صفحه‌های ۵۲ تا ۶۰)

## علوم و فنون ادبی (۳)

## ۲۱- گزینه «۳»

(سوار غلامپور سیوکی)

## موارد نادرست عبارتاند از:

۱. شعر دوره بازگشت با انتقادهایی روبه‌رو شد.

۲. لغات غربی وارد شعر شد.

۳. به محتوا بیشتر از صور خیال و جنبه‌های شاعرانه توجه شد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه ۱۱۴)

## ۲۲- گزینه «۱»

(سیدعلیرضا علویان)

خداوندنامه حماسه‌ای مذهبی متعلق به صبا کاشانی است. همچنین رمان

شمس و طغرا به قلم محمدباقر میرزا خسروی است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، ترکیبی)

## ۲۳- گزینه «۴»

(سوار غلامپور سیوکی)

عارف قزوینی مضامین وطن‌دوستی و ستیز با نادانی را با آوازی زیبا و پرشور

می‌خواند.

صبا کاشانی پرچم‌دار دوره بازگشت ادبی و شاخص‌ترین شاعر این دوره است.

ادیب‌الممالک فراهانی سردبیر روزنامه مجلس بود.

ایرج میرزا از شعرهای غربی ترجمه‌هایی منظوم پدید آورده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۳، ۱۶ و ۱۷)

## ۲۴- گزینه «۴»

(قره‌هاز فروزان‌کیا)

## تشریح گزاره‌های نادرست:

الف) نگرش شاعران این دوره از کلی‌نگری و ذهنیت‌گرایی به جزئی‌نگری و عینیت‌گرایی تغییر کرد. ضمناً این مورد مربوط به ویژگی‌های فکری شعر دوره بیداری است.

ب) اشاره به آرایه‌های ادبی در این گزاره مشخصاً به ویژگی‌های ادبی اشاره دارد، نه ویژگی‌های زبانی.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۲ تا ۳۴)

## ۲۵- گزینه «۴»

(سیدعلیرضا علویان)

این گزینه مربوط به قلمرو زبانی شعر این دوره است، نه نثر. گزینه «۱»

مربوط به قلمرو زبانی، گزینه «۲» مربوط به قلمرو فکری و گزینه «۳»

مربوط به قلمرو ادبی نثر دوره بیداری و مشروطه است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۴۳، ۴۵ و ۴۶)

## ۲۶- گزینه «۳»

(مهمد امین‌راداش‌فام)

تنها یک مورد نادرست است.

ترانه از قالب‌هایی است که شاعرانی که به زبان کوچه و بازار شعر می‌سرودند

بیشتر بدان رغبت داشتند. بهار و ادیب‌الممالک از شاعرانی هستند که به

سنت‌های ادبی و قالب‌های قدیمی‌تر گرایش داشتند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۵)

## ۲۷- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌های)

در عبارات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» ویژگی موزون بودن کلام و

مسجع بودن برخی عبارات کوتاه، نشان از سبک قائم‌مقام دارد که مشابه

سبک گلستان سعدی بود. عبارت گزینه «۳» فاقد این ویژگی است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه ۲۰)

## ۲۸- گزینه «۱»

(سیدعلیرضا علویان)

آزادی در این گزینه اشاره به آزادی و رهایی از دام زلف یار دارد (آزادی از

بلا و گرفتاری عشق).

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: قانون

گزینه «۳»: مبارزه با استبداد

گزینه «۴»: قانون‌مداری و توجه به مردم

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی و مفهومی، صفحه‌های ۳۴ و ۳۵)

## ۲۹- گزینه «۴»

(شیوا نظری)

قالب‌های شعری مرتبط با ویژگی‌های ادبی هر سبک می‌باشند. ابیات

گزینه‌های «۱ تا ۳» همگی از اشعار حزین لاهیجی (از شاعران سبک

هندی) هستند و ویژگی‌های ادبی آن‌ها هم قرابتی با سبک بیداری ندارند،

اما در گزینه «۴» بخشی از یک تصنیف آمده است که قالبی نو است و در

سبک بیداری، برخی شاعران در این قالب‌ها شعر می‌سرودند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه ۳۳)

## ۳۰- گزینه «۴»

(هومن نمازی)

در بیت گزینه «۴»، فقط وصف معشوق را می بینیم و لف و نشر وجود ندارد.

**تشریح سایر گزینهها:**

گزینه «۱»: «حدیث من» لف ۱ و «سخن دانی» نشر ۱؛ «حسن تو» لف ۲ و «زیبایی» نشر ۲ است و در نهایت لف و نشر مرتب دارد.

گزینه «۲»: «پرتو روی چو ماه تو» لف ۱ «خوش مهتابی» نشر ۱؛ «زلف سیاه» لف ۲ و «شب تیره» نشر ۲ است؛ در نهایت لف و نشر نامرتب (مشوش) است.

گزینه «۳»: «شکوه» لف ۱ و «شکست» نشر ۱؛ «شکر» لف ۲ و «بست» نشر ۲.

(علوم و فنون ادبی (۱۳)، بریع معنوی، صفحه‌های ۵۷ تا ۵۹)

## ۳۱- گزینه «۳»

(شیوا نظری)

بیت، دارای لف و نشر مرتب است.

لف ۱: حرم / نشر ۱: مؤمن

لف ۲: دیر / نشر ۲: ترسا

(علوم و فنون ادبی (۱۳)، بریع معنوی، صفحه‌های ۵۷ تا ۵۹)

## ۳۲- گزینه «۱»

(سیدعلیرضا احمدی)

لف و نشر مرتب: هر لاله‌ای که از خاک می‌دمد، روی ماه پیکر است و هر سنبل‌ی که از خاک می‌دمد، مویی مشک‌بوی است.

تشبیه: روی ماه پیکر (تشبیه «روی» به «ماه»)

جناس ناقص اختلافی: روی، موی

مراعات نظیر: «روی و موی»، «لاله و سنبل»

(علوم و فنون ادبی، بیان و بریع، ترکیبی)

## ۳۳- گزینه «۳»

(سیدعلیرضا احمدی)

الف) تلمیح به ماجرای حضرت یوسف (ع) و حضرت یعقوب (ع) و هم‌چنین به ماجرای شیرین و فرهاد

ب) در جمله «گردن تسلیم می‌ریزد دم (خون) شمشیر را» صائب تصویری غیرواقعی ترسیم می‌کند که در آن «گردن»، خون «شمشیر» را می‌ریزد!

ج) در ترکیب «نخل کهنسال» تشخیص دیده نمی‌شود؛ چرا که کهن‌سالی وصفی مختص انسان نیست و به پدیده‌های مختلف نسبت داده می‌شود.

د) «گرم» و «سرد» تضاد دارند.

(علوم و فنون ادبی، بیان و بریع، ترکیبی)

## ۳۴- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

بیت «پ»: تناقض: آشکاربودنِ نهان

بیت «ث»: استعاره: «ترگس» استعاره از چشم و «سنبل» استعاره از مو

بیت «ب»: تلمیح: اشاره به داستان حضرت ابراهیم (ع)

بیت «الف»: تضاد: رفت - نرفت

بیت «ت»: لف و نشر (مرتب): لف ۱: بیاض غمزه روز - لف ۲: طره شب / نشر ۱: روی - نشر ۲: موی

(علوم و فنون ادبی، بیان و بریع، ترکیبی)

## ۳۵- گزینه «۴»

(سپار غلام‌پور سیوکی)

تناقض: آب خضر یا آب حیات، زندگی‌بخش می‌باشد و در این بیت دارای تناقض است.

تلمیح: به داستان حضرت خضر و جستن آب حیات اشاره دارد.

**بررسی سایر گزینهها:**

گزینه «۱»: تضاد: (شیرین - تلخ) (جواب - پرسش) / تناقض ندارد.

گزینه «۲»: «عقل» و «وهم»: مراعات‌نظیر / تضمین ندارد.

گزینه «۳»: تضاد: نهان - آشکار / تلمیح ندارد.

(علوم و فنون ادبی، بریع لفظی و معنوی، ترکیبی)

## ۳۶- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنگور سراسری ۹۸)

مصراع صورت سؤال و بیت گزینه «۱»، بر وزن «مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن» می‌باشند.

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر، ترکیبی)

## ۳۷- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنگور سراسری ۹۸)

**تشریح سایر گزینهها:**

گزینه «۱»: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن

گزینه «۳»: مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن فعلن

گزینه «۴»: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر، ترکیبی)



## ۳۸- گزینه «۳»

(یاسین موریان)

وزن این بیت، «مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع» است که در زمره اوزان ناهمسان به‌شمار می‌آید.

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن (همسان تک‌پایه‌ای)

گزینه «۲»: مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فاعلاتن (همسان دولختی)

گزینه «۴»: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلهن (همسان تک‌پایه‌ای)

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر، ترکیبی)

## ۳۹- گزینه «۳»

(یاسین موریان)

وزن بیت: مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فعلن / فاقد اختیار تغییر کمیت مصوت / حذف همزه: «بس است: بَ سَسْت»

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: وزن: مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلهن / تغییر کمیت مصوت: بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه: «ش» در واژه «نقش» / حذف همزه: «ندانم از: نَ دا نَ مَز» و «باز از: با زَز»

گزینه «۲»: وزن: فاعلاتن فاعلاتن فاعلهن / فاقد تغییر کمیت مصوت / فاقد حذف همزه (اگر ترکیب «قدح از» را با حذف همزه بخوانیم، وزن به‌هم می‌خورد؛ بنابراین، حذف همزه نداریم).

گزینه «۴»: وزن: مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن / حذف همزه: «خواهی اگر: خا هی یَ گر» / تغییر کمیت مصوت: کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند: «هی» در واژه «خواهی»

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۴)

## ۴۰- گزینه «۳»

(سیدعلیرشا احمدی)

حذف همزه در هجای (چهارم) مصراع اول + کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند در هجای (سوم) مصراع دوم + بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در هجای (چهارم) مصراع دوم

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فاقد اختیار شاعری زبانی

گزینه «۲»: حذف همزه در هجای (چهارم) مصراع اول + بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در هجای (چهارم) مصراع دوم

گزینه «۴»: حذف همزه در هجای (پنجم) در مصراع اول + بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در هجای (پنجم) مصراع دوم

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۴)

## ۴۱- گزینه «۲»

(سیدعلیرشا احمدی)

در مصراع اول، حذف همزه در هجای (دهم) + بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در هجای (دوازدهم)

در مصراع دوم، حذف همزه در هجای (چهاردهم)

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در هجای (هفتم) مصراع اول

گزینه «۳»: حذف همزه در هجای (دوم) + (سوم) مصراع اول

گزینه «۴»: بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در هجای (نهم) مصراع اول

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۴)

## ۴۲- گزینه «۲»

(سیدعلیرشا احمدی)

بیت «الف»: هجای کوتاه در کلمه «تاج» بلند تلفظ می‌شود. (درست)  
بیت «ب»: هجای بلند کلمه «سوی» کوتاه تلفظ می‌شود.

بیت «ج»: هجای کوتاه در کلمه «موی» بلند تلفظ می‌شود. (درست)

بیت «د»: هجای بلند در کلمه «ابرو» کوتاه تلفظ می‌شود.

بیت «ه»: فاقد تغییر کمیت مصوت است.

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۴)

## ۴۳- گزینه «۴»

(سیدعلیرشا احمدی)

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در کلمه «عذر»

گزینه «۲»: بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در کلمه «میان»

گزینه «۳»: حذف همزه در کلمات «از» و «آن»

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۴)

## ۴۴- گزینه «۴»

(سیدعلیرضا امیری)

در این بیت، بنا به ضرورت وزن باید کلمه «قاضی»، «قاضی» خوانده شود. در باقی ابیات، هیچ اختیار تغییر کمیت مصوت بلندی مشاهده نمی‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۵۲ تا ۵۴)

## ۴۵- گزینه «۳»

(سیدعلیرضا امیری)

برای اینکه وزن شعر درست دربیاید باید هجای نهم (تو) بلند تلفظ شود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۲)

## ۴۶- گزینه «۲»

(سیدعلیرضا علویان)

شاعر در بیت صورت سؤال بیان می‌کند که محبوبه نیلگون‌عماری (خورشید در کجاوه نیلی‌رنگ آسمان) از زلف زرتار خویش (پرتوهای نور زردرنگ) گره گشود (پرتوافشانی کرد). در گزینه «۲» نیز چنین مضمونی آورده شده است: آن گل زرد با خندیدن (خورشید با نورافشانی) جهان را به رنگ گلی سرخ (پرتوهای سرخ‌رنگ تابش آفتاب) درآورد.

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: شب پدیدار شد و روشنایی در سیاهی‌ها پنهان گشت.

گزینه «۳»: این بیت هم غروب آفتاب را توصیف می‌کند، سست شدن دست و پای خورشید اشاره به غروب آن و فرار سیدن شب دارد.

گزینه «۴»: زلف کمندسان تو می‌تواند پرنده را در هوا شکار کند و ماه را از آسمان به زیر بکشد (وصف معشوق و تشبیه زلف او به کمند).

تکلیف: در گذشته شاعران رنگ‌های سرخ و زرد را برای نور آفتاب استفاده می‌کردند و از نیلی، اخضر، کبود، لاجورد و... به‌عنوان رنگ آسمان نام می‌برده‌اند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه ۳۷)

## ۴۷- گزینه «۳»

(مجتبی فرهادی)

مفهوم کلی و مشترک بیت صورت سؤال و گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» تقابل پخته با خام (حال عاشق را فقط عاشق درک می‌کند) است، اما بیت گزینه «۳» می‌گوید: انسان بی‌بهره از عشق سزاوار هلاکت است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه ۶۲)

## ۴۸- گزینه «۱»

(سیدعلیرضا علویان)

در بیت صورت سؤال اشاره شده است که عشق دردی درمان‌ناپذیر است و چاره‌ای برای علاج آن وجود ندارد. مفاهیمی نزدیک به این مفهوم در ابیات گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴» هم دیده می‌شود: قناعت‌کردن به درد عشق و رهاکردن درمان (گزینه «۲»). چاره‌نداشتن درد عشق (گزینه «۳») و بی‌پایان‌بودن و نوشدن هرروزه درد عشق (گزینه «۴»).

اما در بیت گزینه «۱» به درد عشق اشاره‌ای نشده است. این بیت می‌گوید همه خواهند مرد، چه مسلمان و چه کافر (ناگزیری مرگ).

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه ۳۸)

## ۴۹- گزینه «۱»

(سیدعلیرضا علویان)

این بیت در شکایت از معشوق و بیان ناتوانی و عجز عاشق در برابر وی سروده شده است، درحالی‌که سایر ابیات در توصیف خنده یار (گزینه «۲»)، چهره و سخن‌گفتن یار (گزینه «۳») و قد یار (گزینه «۴») هستند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه‌های ۲۴ و ۲۸)

## ۵۰- گزینه «۳»

(شیوا نظری)

بیت صورت سؤال و گزینه «۳» هر دو به صداقت و راستی توصیه می‌کنند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه ۶۴)

## جامعه‌شناسی (۳)

## ۵۱- گزینه «۳»

(مهرشار ایمانی نسب)

ما انسان‌ها با هم زندگی می‌کنیم و مجبور نیستیم خودمان به تنهایی و جداگانه، دانش لازم برای تک‌تک کنش‌هایمان را تولید کنیم. جهان اجتماعی؛ یعنی جامعه و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم، دانش لازم برای زندگی یا همان دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد.

(جامعه‌شناسی (۳)، زفیره دانشی، صفحه‌های ۳ و ۴)

## ۵۲- گزینه «۲»

(کوثر شاه حسینی)

## تشریح عبارات نادرست:

- دانش علمی با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی، شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند.

- زبان یک پدیده اجتماعی است. ما درباره این پدیده اجتماعی هم «دانش عمومی» و هم «دانش علمی» داریم.

(جامعه‌شناسی (۳)، زفیره دانشی، صفحه ۵)

## ۵۳- گزینه «۴»

(مهرشار ایمانی نسب)

- تعارضات میان دانش عمومی و دانش علمی جهان اجتماعی، گاهی با رها کردن بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر و گاهی با طرح ایده‌های جدید حل می‌شوند.

- جهان متجدد، براساس هویت دنیوی خود، فقط علم تجربی را دانش علمی می‌داند و علوم عقلانی و وحیانی را علم محسوب نمی‌کند. وقتی چنین رویکردی، به جوامع دیگر که دانش علمی را به دانش تجربی منحصر و محدود نمی‌بینند و علوم عقلانی و وحیانی را نیز معتبر می‌دانند سرایت می‌کند، در این جوامع، تعاریف متفاوت و گاه متضادی از علم رواج می‌یابد و در ذخیره دانشی آن‌ها تعارض‌هایی پدید می‌آورد. در چنین شرایطی، ارتباط دوسویه دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود.

- جهان‌های اجتماعی مختلف براساس هویت فرهنگی خود، تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند.

(جامعه‌شناسی (۳)، زفیره دانشی، صفحه‌های ۶ و ۷)

## ۵۴- گزینه «۳»

(ریحانه امینی)

رویکرد دوم در تقابل با رویکرد اول، این ادعا را که دانش علمی، راه کشف واقعیت و دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی است رد می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۳)، زفیره دانشی، صفحه ۸)

## ۵۵- گزینه «۴»

(سببه مصبی)

- موضوع فلسفه، اصل وجود است.

- موضوع علوم انسانی، کنش‌های آدمیان و پیامدهای آن هستند.

- پدیده‌های طبیعی برخلاف کنش‌ها و پیامدهای آن، به تصمیم و اقدام انسان‌ها وابسته نیستند، بلکه مستقل از اراده انسان‌ها و اهداف و معانی مورد نظر آن‌ها، وجود دارند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۱ و ۱۲)

## ۵۶- گزینه «۴»

(امیرمهری افشار)

- علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن‌ها، ابزار بهره‌مندی انسان از طبیعت و همچنین وسیله غلبه او بر محدودیت‌های طبیعی‌اند.

- به سبب آگاهانه و ارادی بودن کنش‌های اجتماعی، پیش‌بینی در علوم اجتماعی پیچیده‌تر از علوم طبیعی است.

- دانشمندان علوم اجتماعی تلاش می‌کنند، نظم و قواعد جهان اجتماعی را کشف کنند. آن‌ها با کشف این قواعد می‌توانند تأثیر اجتماعات بر زندگی ما را توضیح دهند. ما با شناخت قواعد زندگی در اجتماعات گوناگون، هم از فرصت‌های آن‌ها برخوردار می‌شویم و هم از آسیب‌های احتمالی زندگی در اجتماعات مختلف در امان می‌مانیم.

- علوم اجتماعی، ظرفیت داوری درباره علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن را نیز دارند. علوم اجتماعی، درباره فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری به انسان‌ها آگاهی می‌دهند و به آن‌ها کمک می‌کنند که از طبیعت و علوم طبیعی به شیوه صحیح استفاده کنند. از این‌رو، علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی از اهمیت بیشتری برخوردارند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه ۱۳)

## ۵۷- گزینه ۲»

(فاطمه صفری)

فواید علوم انسانی: شناخت و فهم معانی کنش‌های آدمیان و پیامدهای آن / شناسایی عواملی که بر زندگی انسان و کنش‌های او تأثیر دارند یا پیش‌بینی کنش‌ها و پیامدهای آن‌ها برای پیشگیری / شناخت فضیلت، عدالت، سعادت و راه صحیح زندگی و داوری درباره کنش‌های خوب و بد انسان‌ها / انتقاد از کنش‌های ناپسند و ظالمانه انسان‌ها / رها کردن و آزادسازی انسان‌ها از ظلم‌ها و اسارت‌هایی که در اثر کنش‌های انسان‌ها پدید می‌آیند. نشان دادن شیوه صحیح استفاده از علوم طبیعی و دانش‌های ابزاری کنش‌های اجتماعی، ابعاد و انواع مختلفی دارند. برای بررسی و مطالعه این انواع و ابعاد، دانش‌های مختلفی به‌وجود آمده است.

علوم انسانی به دلیل اینکه به انتقاد از کنش‌های ناپسند آدمیان می‌پردازند، «علوم انتقادی» گفته می‌شوند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه ۱۵)

## ۵۸- گزینه ۴»

(آزیتا بیدرقی)

در جامعه‌شناسی براساس دوری و نزدیکی به علوم طبیعی، رویکردهای مختلفی شکل گرفته است.

تاریخ، یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی است.

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱» نادرست (زندگی اجتماعی انسان نیز به دلیل اینکه ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... دارد، شاخه‌ها و دانش‌های اجتماعی متفاوتی را پدید آورده است). - درست

گزینه ۲» درست - درست

گزینه ۳» نادرست (در جامعه‌شناسی بر اساس دوری و نزدیکی به علوم طبیعی، رویکردهای مختلفی شکل گرفته است). - درست

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه ۱۶)

## ۵۹- گزینه ۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

جامعه‌شناسان برای شناختن نظم، از امور آشنا و مأنوس، آشنایی‌زدایی می‌کنند؛ یعنی از دید یک فرد غریبه به موضوعات آشنا و روزمره اطراف خود نگاه می‌کنند و در کنار بی‌نظمی، نظم را می‌شناسند.

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

## ۶۰- گزینه ۳»

(کوثر شاه‌مسینی)

## تشریح گزینه‌ها:

گزینه ۱» نادرست (مربوط به ساختار اجتماعی است). - درست

گزینه ۲» درست - درست

گزینه ۳» درست - نادرست (مربوط به قواعد اجتماعی است).

گزینه ۴» نادرست (مربوط به ساختار اجتماعی است). - نادرست (مربوط به نظم اجتماعی است).

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۱، ۲۳ و ۲۴)

## ۶۱- گزینه ۲»

(کوثر شاه‌مسینی)

- همان‌طور که علوم طبیعی با شناخت نظم موجود در طبیعت، امکان پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل طبیعت را برای انسان‌ها فراهم می‌کند، جامعه‌شناسی نیز با شناخت نظم اجتماعی، به انسان‌ها قدرت پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل جامعه را می‌دهد.

- در جامعه‌شناسی تبیینی، روش مطالعه طبیعت و جامعه یکسان دانسته می‌شود.

- در تبیین، پدیده‌هایی که قبلاً مستقل از هم به نظر می‌رسیدند، در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند و میان پدیده‌هایی که پیش‌تر در ارتباط با هم دیده می‌شده‌اند، روابط جدیدی طرح می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۵ و ۲۶)

## ۶۲- گزینه ۱»

(مهوشا ایمانی نسب)

انسان در دیدگاه جامعه‌شناسان پوزیتیویستی، صرفاً یک موجود طبیعی پیچیده‌تر از سایر موجودات طبیعی است.

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه ۲۹)

## ۶۳- گزینه ۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

اگر جامعه را همچون طبیعت تصور کنیم و آن را دستاوردی انسانی ندانیم، یعنی آن‌را واقعیتی بیرونی تصور کنیم که با قوانینی به استحکام قوانین طبیعت، اداره می‌شود، در آن صورت ما فقط می‌توانیم از دانش‌های ابزاری خود استفاده کنیم و جامعه و پدیده‌های اجتماعی را بشناسیم، اما قادر نخواهیم بود، تغییری بنیادین در جامعه به‌وجود آوریم.

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه ۲۹)

## ۶۴- گزینه «۴»

(کوثر شاه‌سینی)

همه ما از آنجا که عضوی از جامعه هستیم، با کنش‌های اجتماعی خود، در حفظ وضع موجود یا تغییر آن، اثر می‌گذاریم. اگر چه میزان تأثیرگذاری همه اعضای جامعه یکسان نیست و صاحبان برخی مشاغل و مسئولیت‌ها، نسبت به سایرین اثرگذاری بیشتری دارند.

(جامعه‌شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه ۳۵)

## ۶۵- گزینه «۲»

(ریحانه امینی)

## تشریح موارد نادرست:

- کنش انسان را نمی‌توان فقط با روش تجربی تحلیل کرد.  
- جامعه‌شناسی تبیینی با تأکید بیش از اندازه بر نظم، اراده و خلاقیت انسان‌ها را نادیده می‌گیرد.

(جامعه‌شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه ۳۷)

## ۶۶- گزینه «۳»

(هیبه ممبیه)

- اندازه‌گیری اجزای بدن در ایام جنگ جهانی دوم برای تعیین اینکه چه کسی از نژاد برتر برخوردار است، نشان‌دهنده تأکید افراطی بر امور قابل مشاهده‌اند: سقوط ارزش‌ها  
- اعتیاد برخی جوانان و نوجوانان به استفاده از اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای اعتیادآور: افول معانی  
- رخ دادن بزرگ‌ترین کشتارهای جهان در فاجعه هیروشیما و ناکازاکی: اخلاقی‌گریزی

(جامعه‌شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه ۳۸)

## ۶۷- گزینه «۱»

(امیرمهری افشار)

کنش اجتماعی، آگاهانه و معنادار است. نادیده گرفتن معنای کنش، سبب شده است که بیشتر مطالعات تبیینی به توصیف خصوصیات و رفتارهای قابل مشاهده ما محدود شوند اگر تفسیرهای نوجوانان و جوانان را در نظر بگیریم، متوجه خواهیم شد که عامل اصلی گرایش این کاربران به اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای، معنای استفاده از این ابزار است. بیشتر جوانان و نوجوانان استفاده هرچه بیشتر از این‌ها را به‌روز بودن، سرگرمی، هیجان، آزادی و توانایی معنا می‌کنند.

همراهی همدلانه به معنای تأیید کنشگران نیست، بلکه به معنای نگاه کردن به مسائل آن‌ها از منظر خودشان و تلاش برای فهم آن‌هاست. ما در جهان اجتماعی با افراد آگاه سروکار داریم و لازم است با توجه به تفسیر آن‌ها از خودشان، به فهم همدلانه کنش‌های آن‌ها دست پیدا کنیم.

(جامعه‌شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه ۳۹)

## ۶۸- گزینه «۱»

(آریتا بیدری)

ماکس وبر، فهمیدن را برای درک معنای پدیده‌های اجتماعی ضروری می‌دانست.

معنای علم از دیدگاه وبر، محدود به علم تجربی است.

اگر جامعه‌شناس به درست یا غلط بودن عقاید و ارزش‌ها بپردازد و آن‌ها را داوری کند یا به نقد یا اصلاح آن‌ها بپردازد، از دایره علم خارج می‌شود یا با نام علم، کار غیرعلمی می‌کند.

وبر جامعه‌شناسی خود را تفهیمی - تبیینی معرفی می‌کرد.

(جامعه‌شناسی (۳)، معنای زندگی، صفحه ۴۸)

## ۶۹- گزینه «۱»

(فاطمه صفری)

- فعالیت و خلاقیت کنشگران، موجب پیدایش معانی گوناگون و در نتیجه آن، پدیدآمدن خرده فرهنگ‌ها و گروه‌های مختلف، درون هر جهان اجتماعی می‌شود.

- برای پی بردن به هدف کنش، باید به ذهن کنشگر راه یابیم و برای فهمیدن دلالت‌های کنش، باید به زمینه فرهنگی‌ای که کنشگر در آن عمل می‌کند، مراجعه کنیم.

- برای فهم کنش انسان‌ها (علت) باید به سراغ روش‌های کیفی، مانند قوم‌نگاری رفت. زیرا تنوع‌ها و تفاوت‌های فرهنگ‌ها را در نظر می‌گیرد.

دقت شود که سایر گزینه‌ها به تعریف قوم‌نگاری می‌پردازند و نه علت استفاده از آن.

(جامعه‌شناسی (۳)، معنای زندگی، صفحه ۵۰)

## ۷۰- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌های - فارح از کشور ۹۸)

قوم‌نگاری نوعی پژوهش کیفی بر اساس مشاهده مشارکتی است که در آن محقق به دنبال پرده برداشتن از معناهایی است که در کنش‌ها نهفته‌اند. در این روش، پژوهشگر برای مدتی با قومی که قصد تحقیق درباره آن‌ها را دارد، زندگی می‌کند؛ خود را در شرایط فرهنگی آن قوم قرار می‌دهد و کنش‌هایشان را تجربه می‌کند تا آن‌ها را بهتر بشناسد.

(جامعه‌شناسی (۳)، معنای زندگی، صفحه‌های ۵۰ و ۵۱)

## عربی زبان قرآن (۳)

## ۷۱- گزینه ۱»

(مرتضی کاظم شیروزی)

«ما أُبْرئِ»: (مضارع منفی) بی گناه نمی شمارم، تبرئه نمی کنم (رد گزینه ۴) / «أَمَارَةٌ»: (اسم مبالغه بر وزن «فَعَالَةٌ») بسیار امرکننده (رد گزینه ۲) / «السَّوَاءُ»: بدی (رد گزینه ۴) / «إِلَّا مَا رَجِمَ رَبِّي»: مگر اینکه پروردگارم رحم کند (رد گزینه ۲)

ترجمه «به من» در گزینه ۳ نیز اضافی است.

(ترجمه)

## ۷۲- گزینه ۴»

(حسین رضائی)

«هذا الجاهل»: این نادان (رد سایر گزینه‌ها) / «يَفْتَخِرُ»: افتخار می کند (رد گزینه ۱) / «خَلِقَ»: آفریده شده است (رد گزینه ۳) / «لَمْ يَخْلُقْ»: آفریده نشده است (رد گزینه ۱)

(ترجمه)

## ۷۳- گزینه ۱»

(روح الله گلشن)

«شِرَاءٌ»: خرید «فروش» در گزینه ۴ اضافی است؛ شِرَاءٌ: خرید، بَیْعٌ: فروش) / «كثِيرٌ مِنْ...»: بسیاری از... (نباید به شکل «صفت» ترجمه شود). (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «و هم یعلمون»: در حالی که (حال آنکه، حال اینکه) می دانستند (جمله حالیه است و طبق ساختار «ماضی + مضارع ← ماضی استمراری» ترجمه می شود). (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «يُسَبِّبُ»: باعث (سبب) ... می شود (مضارع است نه ماضی) (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «البلدان»: کشورها (جمع مکتسر است نه مثنی) (رد گزینه ۴)

(ترجمه)

## ۷۴- گزینه ۲»

(علی مفسن زاره)

«اليوم»: امروز (رد گزینه ۴) / «لَا يَكَلِّمُ الطَّالِبُ»: دانش آموز نباید صحبت کند (رد گزینه‌های ۱ و ۴) (فعل «لَا يَكَلِّمُ» نهی است و چون پس از آن اسمی آمده که با «ال» شروع شده است، حرکت ساکنِ آخرِ فعلِ نهی، تبدیل به حرکت کسره شده است.) / «زَمِيلَةٌ»: همکلاسیش / «لَيْتَهُ قَدْ اِنْتَبَهَ»: ای کاش متوجه می شد، کاش توجه کرده بود (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «يَضُرُّ»: زیان می رساند (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

(ترجمه)

## ۷۵- گزینه ۴»

(امیر حسین شلموری)

«أَعْلَمُ»: می دانم (رد گزینه ۲) / «أَسْوَأُ»: بدتر (رد گزینه ۱) / «جِرَادَةٌ»:

ملخی (نکره است؛ رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «الزَّلَّلُ»: لغزش (رد گزینه ۱)

دقت کنید که ترتیب اجزای جمله، در عبارت گزینه ۳ رعایت نشده است.

(ترجمه)

## ۷۶- گزینه ۳»

(همیدرضا قائن‌امینی - اصفهان)

«تَطَوَّرَ»: بهینه‌سازی شود (رد گزینه ۱) / «يُنْبِئُ»: بیدار می کند (رد گزینه ۲)

«و نَحْنُ ذَوُوبُونَ»: در حالی که ما با پشتکار هستیم (رد گزینه ۴)

همچنین در گزینه ۴، «می توانیم» اضافی است و معادلی در عبارت عربی داده شده ندارد.

## نکته مهم درسی:

در ترجمه فعل‌های مجهول، عموماً از اشتقاقیات فعل «شدن» استفاده می کنیم.

(ترجمه)

## ۷۷- گزینه ۴»

(همیدرضا قائن‌امینی - اصفهان)

«قَدْ اَمْتَنَعَ»: (فعل معلوم است و «أَب» نیز فاعل آن است) خودداری کرده

است، امتناع کرده است

(ترجمه)

## ۷۸- گزینه ۴»

(سید ممدعلی مرتضوی)

«توانستند»: اِسْتَعَاوَا (رد گزینه ۲) / «به چین حمله کنند»: آن بهجموا علی

الصَّيْنِ (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «با وجود ساخت دیوار بزرگی»: علی رغم بناء

سور عظیم (رد سایر گزینه‌ها) / «در اطراف آن»: حولها (رد گزینه ۱)

(ترجمه)

## ترجمه متن درک مطلب:

کلاغی درون لانه‌اش در بالای درختی زندگی می‌کرد، و در همان درخت، سوراخی برای ماری وجود داشت، هنگامی که کلاغ تخم خود را می‌گذاشت، مار می‌آمد و آن را می‌خورد، پس کلاغ به شدت ناراحت می‌شد، کلاغ با شکایت، در مورد موضوع با دوستش صحبت کرد، دوستش به او گفت: چه کاری می‌خواهی انجام بدهی؟ پس جواب داد: امشب منتظر مار خواهم ماند تا بخوابد سپس چشمانش را نوک می‌زنم تا از من دور شود و از کارهایش آسوده شوم، دوستش او را آگاه کرد که این حيله سودی ندارد، آن (حيله) او را در معرض خطر قرار خواهد داد و او مثل آن پرنده‌ای خواهد شد که سعی می‌کرد خرچنگ را بکشد اما (خودش) به جای او مُرد. کلاغ گفت: فکر تو چیست؟ دوستش گفت: به دوردست پرواز کن سپس قطعه‌ای ارزشمند از جواهرات یکی از زنان را سرقت کن و برگرد، اما مراقب باش که وقتی به سوراخ مار می‌رسی، چشم‌ها تو را ببینند، پس مردم تو را دنبال می‌کنند تا مال را بگیرند سپس آنان مار را می‌کشند، به این شیوه از مار رهایی پیدا می‌کنی و به‌طور کامل سلامتی‌ات را حفظ می‌نمایی!

## ۷۹- گزینه ۲»

(سید ممبرعلی مرتضوی)

«کلاغ در ابتدا می‌خواست مار را هنگام خواب در شب بکشد!»؛ نادرست است، قصدش کشتن مار نبود.

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: دوست کلاغ او را نصیحت و راهنمایی کرد تا از خطرات دور بماند!

گزینه «۳»: کلاغ و مار در یک درخت زندگی می‌کردند!

گزینه «۴»: دوست با نظر کلاغ موافق نبود، هنگامی که آن را طرح کرد!

(درک مطلب)

## ۸۰- گزینه ۳»

(سید ممبرعلی مرتضوی)

چرا پیشنهاد دوست کلاغ، بدون شک بهتر است؟

«زیرا مار نمی‌تواند کلاغ را در هنگام اجرای فکرش بکشد!»

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مار به این شیوه کشته خواهد شد!

گزینه «۲»: کلاغ راه حل دیگری در ذهنش نداشت!

گزینه «۴»: مردم نحوه برخورد با مار را به شکل بهتری می‌دانند!

(درک مطلب)

## ۸۱- گزینه ۴»

(سید ممبرعلی مرتضوی)

صورت سؤال، عبارتی را می‌خواهد که از متن نتیجه‌گیری نمی‌شود:

«هرکس خوب را از بد تشخیص ندهد، او را به چارپایان ملحق کن (او را از

چارپایان بدان)!»

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: هرگاه با عاقل مشورت کنی، عقلش برای تو می‌شود!

گزینه «۲»: برای هیچ ستمکاری ممکن نیست که از مجازاتش فرار کند!

گزینه «۳»: بدون فکر کردن (چیزی) نگو و بدون تدبیر (کاری) نکن!

(درک مطلب)

## ۸۲- گزینه ۴»

(سید ممبرعلی مرتضوی)

«أخْبِرْ» در این‌جا، فعل ماضی غایب است.

(تفلیل صرفی و اعراب)

## ۸۳- گزینه ۲»

(سید ممبرعلی مرتضوی)

در گزینه «۲»، «مرفوع بعلامة الواو» نادرست است، دقت کنید «العیون» جمع مکسر «العين» است، نه جمع سالم، پس مرفوع با علامت ضمّه است. «مرفوع بعلامة الواو» مخصوص جمع‌های مذکر سالم است که در آخر خود، «ون» دارند!

(تفلیل صرفی و اعراب)

## ۸۴- گزینه ۴»

(علی مهسن زاده)

واژه «اِخْتَرَعَ» نادرست و شکل درست آن «اِخْتَرَعَ» می‌باشد (مصدر باب «فِئْتَعَال» و بر وزن «فِئْتَعَال» است).

همچنین حرکات واژه «المُسْلَخَة» نادرست و شکل درست آن «المُسْلَخَة» (به شکل اسم مفعول) می‌باشد.

(ضبط حرکات)

## ۸۵- گزینه ۴»

(روح‌الله گلشن)

ترجمه عبارت: «هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست!». مفهوم این گزینه به «ارزش بالای قناعت کردن» اشاره دارد، اما بیت مقابلش به «قناعت کردن از روی اجبار و ناچاری» اشاره دارد که با هم معادل نیستند.

## ترجمه سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «خردمندترین مردم، تیزبین‌ترین ایشان در فرجام [کارها] است.» / «فکرهای درست عاقبت تو را می‌سازد!» (عاقبت اندیشی)

گزینه «۲»: «هیچ چیزی بهتر از بخشش به هنگام توانمندی نیست!» / «نیرومندترین مردم کسی است که دشمن خود را مقتدرانه ببخشد!» (اهمیت زیاد بخشش و گذشت به هنگام توانایی)

گزینه «۳»: «گویی خشنود ساختن همه مردم هدفی است که به دست آورده نمی‌شود!» (همه را نمی‌شود راضی کرد!)

(مفهوم)

## ۸۶- گزینه «۲»

(همیدرضا قائن‌امینی - اصفهان)

در این گزینه، «أفْضَلُ» خبر «أَنْ» از حروف مشبّهه بالفعل است و باید به صورت مرفوع (أَفْضَلُ) بیاید. (ترجمه عبارت: انسان متکبر گمان می‌کند که او برتر از دیگران است!)

(انواع جملات)

## ۸۷- گزینه «۱»

(علی مهسن زاده)

«لا»ی نفی جنس شدیدترین نوع نفی است؛ در گزینه «۱»، چون که «لا» بر سر یک اسم نکره دارای فتنحه (ب) آمده، «لا»ی نفی جنس است و معنای (هیچ ... نیست) می‌دهد: (هیچ تواضعی زشت نیست، مگر تواضع در مقابل انسان متکبر!)

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «لا» معنی «نه» می‌دهد و نفی جنس نیست. (ترجمه عبارت:

به دوستم گفتم: این لباس زنانه قرمز را دوست دارم و نه آن را!)

گزینه «۳»: «لا» بر سر فعل آمده و نفی جنس نیست بلکه «لا»ی نهی است.

گزینه «۴»: «لا» بر سر فعل‌های «تَشْكُ» و «يُؤَلِّمُ» آمده است و نمی‌تواند از نوع نفی جنس باشد.

(انواع جملات)

## ۸۸- گزینه «۳»

(امیر حسین شلمری)

با توجه به ترجمه عبارت گزینه «۳» (تکالیفت را به سرعت ننویس، زیرا قطعاً) آن خط تو را زشت می‌سازد! حرف مشبّهه «إِنْ» به درستی در این عبارت به کار رفته است.

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: با توجه به ترجمه عبارت، باید حرف مشبّهه «كأنَّ» در آن به کار برود. (این کودک بسیار گریه می‌کند، گویا) او بیمار است!

گزینه «۲»: در این جمله با توجه به معنا و محال بودن مفهوم، باید «لِيتَ» به کار برود. (پدر بزرگم می‌گفت: ای کاش) روزهای زیبای جوانی‌ام برگردد!

گزینه «۴»: با توجه به ترجمه، «أَنْ» صحیح است نه «إِنْ». (این مرد را نمی‌شناسم، اما گمان می‌کنم (که) من قبلاً او را دیده‌ام!)

(انواع جملات)

## ۸۹- گزینه «۲»

(مرتضی کاظم شیرووری)

ترجمه صورت سؤال: گزینه‌ای را مشخص کن که حالت مخاطبی را که می‌خواهد کاری انجام دهد را بیان می‌کند؛ یعنی باید حال را مشخص کنیم: دؤوباً: حال است. (ترجمه عبارت: گفت احساس نومیدی نکن و با پشتکار کار خود را ادامه بده!)

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «دائماً»: قید زمان است.

گزینه «۳»: «شاکراً»: خبر «کان» و منصوب است.

گزینه «۴»: «مُؤاظِنينَ»: مفعول و منصوب است.

(حال)

## ۹۰- گزینه «۴»

(حسین رضائی)

«مُقْتَدِرًا» و «تادماً» در گزینه «۴»، هر دو صفت‌اند (نه حال).

در گزینه «۱»، «مقتدرًا»، در گزینه «۲»، «مقتدرًا» و در گزینه «۳»، «هو یقتدر» حال هستند.

(حال)



## تاریخ (۳)

## ۹۱- گزینه «۲»

(هواد میربلوکی)  
در روش تاریخ‌نگاری سنتی، سبک نگارش در بسیاری از موارد، سخت است و تحلیل و تفسیر، کمتر در این آثار به چشم می‌خورد.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دوره معاصر، صفحه‌های ۲ و ۶)

## ۹۲- گزینه «۲»

(امیرمسین کاروین)  
سازمان اداری و دیوانی ایران در عصر افشاریه و زندیه تا حدودی به سبب حاکمیت عناصر ایلی، غلبه تفکر نظامی‌گری، بی‌ثباتی سیاسی و کوتاه بودن دوران استقرار سلسله‌های مذکور، اعتبار و قوت سابق را نداشت.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانه دوره معاصر، صفحه ۲۱)

## ۹۳- گزینه «۳»

(هواد میربلوکی)  
در دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه، با صدور فتوای جهاد برخی از علما، عده زیادی از ایرانیان آماده جهاد شدند و حکومت قاجار را به اقدام نظامی برای آزادی سرزمین‌های ایرانی ترغیب کردند.

(تاریخ (۳)، سیاست و حکومت در عصر قاجار، صفحه ۴۲)

## ۹۴- گزینه «۲»

(امیرمسین کاروین)  
عهدنامه فین‌کنشتاین بین ایران و فرانسه منعقد شد و ماهیتی نظامی داشت. پس از انعقاد این قرارداد هیئتی نظامی از فرانسه برای تعلیم و تجهیز سپاه به ایران آمد. این اتحاد سیاسی و نظامی ایران و فرانسه مدت زیادی دوام نیاورد و اندکی بعد فرانسه تمام تعهدات خود در برابر ایران را زیر پا گذاشت و با روسیه صلح کرد و نیروهای خود را از ایران فراخواند.

(تاریخ (۳)، سیاست و حکومت در عصر قاجار، صفحه ۳۶)

## ۹۵- گزینه «۲»

(کنکور قاجار از کشور، ۱۳۰۲)  
در دوره قاجار دو نوع زمینداری وجود داشته است که مستوفیان بر آن‌ها نظارت می‌کردند، املاک دیوانی و املاک سلطنتی (خاصه) که در دوران صفویه نیز وجود داشته است. لذا زمین‌های شخصی و خصوصی تحت نظارت آن‌ها نبوده است و ممکن است بر این زمین‌ها کشاورزان به شیوه سهم‌بری دهقانی کار می‌کردند.

(تاریخ (۳)، سیاست و حکومت در عصر قاجار، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و

فرهنگی عصر قاجار، صفحه‌های ۳۹ و ۳۹)

## ۹۶- گزینه «۳»

(هواد میربلوکی)  
از دوران قاجار به پهلوی، حکومت‌های بی‌تدبیر و وابسته در ایران اجازه دادند تا شرکت‌ها، مستشاران و محصولات اروپایی به صورت بی‌برنامه وارد کشور شوند و در نتیجه پایه‌های تولید داخلی ضعیف شد.

(تاریخ (۳)، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار، صفحه ۵۰)

## ۹۷- گزینه «۱»

(هواد میربلوکی)  
با توجه به توالی حوادث دوره مشروطه، ابتدا جریان مهاجرت صغری شکل گرفت، سپس درگیری بین مردم و سربازان اتفاق افتاد؛ بعد از آن موضوع بست نشستن عده‌ای از مشروطه‌خواهان در باغ سفارت انگلیس بود و در نهایت فرمان عزل عین‌الدوله توسط مظفرالدین شاه روی داد.

(تاریخ (۳)، نهضت مشروطه ایران، صفحه‌های ۶۷ و ۶۸)

## ۹۸- گزینه «۴»

(امیرمسین کاروین)  
دلایل مخالفت روسیه با نهضت مشروطه ایران:  
۱- جلوگیری از نفوذ انگلیس که در لباس مشروطه‌خواهی، از مشروطه‌طلبان حمایت می‌کرد.

۲- کمک به محمدعلی شاه که طرفدار روس بود.

۳- پیشگیری از قیام ملت‌های منطقه قفقاز برای گرفتن آزادی، تحت تأثیر پیروزی مشروطه‌خواهان در ایران.

(تاریخ (۳)، نهضت مشروطه ایران، صفحه ۷۰)

## ۹۹- گزینه «۴»

(هواد میربلوکی)  
در نیمه دوم قرن ۱۹ م، ملی‌گرایان ایتالیایی قیام کردند و با استفاده از رقابتی که میان اتریش و فرانسه وجود داشت، موفق شدند ایتالیا را متحد کنند و تحت حاکمیت حکومت ملی و مستقل درآوردند.

(تاریخ (۳)، جنگ جهانی اول و ایران، صفحه ۸۰)

## ۱۰۰- گزینه «۴»

(امیرمسین کاروین)  
در آستانه انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ م. دولت ایران از نظر اقتصادی در تنگنای شدیدی قرار داشت و برای تأمین بخش عمده‌ای از مخارج روزمره خود، به دریافت پول از انگلستان نیاز داشت.

(تاریخ (۳)، جنگ جهانی اول و ایران، صفحه ۹۰)

## جغرافیا (۳)

## ۱۰۱- گزینه «۱»

(صفا هاضری)

در روستاها چون جمعیت کمتر است، بیشتر افراد یکدیگر را می‌شناسند و روابط خویشاوندی، وابستگی اجتماعی و همکاری میان آن‌ها بیشتر است.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۶)

## ۱۰۲- گزینه «۳»

(صفا هاضری)

در سده نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم در کشورهای توسعه یافته و صنعتی اروپا و آمریکای شمالی، به دنبال توسعه صنایع کارخانه‌ای مهاجرت از روستاها به شهرها رخ داد. البته این مهاجرت تدریجی و طولانی مدت بوده و طی ده‌ها سال و همگام با تحولات صنعتی شدن صورت گرفته است. در برخی از روستاها شهرنشینان به سرمایه‌گذاری و خرید زمین‌های کشاورزی به منظور ایجاد کشت تجاری اقدام کردند و در نتیجه آن روستانشینی کاهش یافت. برخی از روستاها نیز به علت گسترش شهرها به حومه‌های شهری تبدیل شدند.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۱۷)

## ۱۰۳- گزینه «۴»

(کنکور قارج از کشور، ۱۴۰۱)

یکی از پدیده‌های ناشی از نظام اقتصادی سرمایه‌داری، نابرابری فضایی است. در بیشتر شهرها امکانات و خدمات شهری به‌طور عادلانه و متوازن توزیع نشده‌اند و بین مناطق برخوردار و مرفه و مناطق محروم تفاوت‌های چشمگیری از نظر فضای جغرافیایی مشاهده می‌شود. برنامه‌ریزی و مدیریت شهری باید برای رفع این نابرابری‌ها چاره‌اندیشی و اقدام کند.

در زاغه‌ها تجهیزات و خدمات مناسبی برای ساکنان وجود ندارد و حداقل نیازهای افراد برطرف نمی‌شود.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۲۱ و ۲۲)

## ۱۰۴- گزینه «۲»

(صفا هاضری)

در برنامه‌ریزی شهری، تجهیزات و تسهیلات شهری و همچنین خدمات عمومی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و نسبت آن‌ها با تعداد جمعیت ساکن در شهر سنجیده می‌شود تا نیازها مشخص و کمبودها برطرف گردد. در بین نیازهای عمومی شهرها، برخی نیازها اولویت بیشتری دارند.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۲۱)

## ۱۰۵- گزینه «۴»

(صفا هاضری)

با توجه به مطالب مطرح شده درباره مهم‌ترین نیازها و مسائل شهرهای امروز، به ترتیب «اشتغال شهری»، «تجهیزات و خدمات عمومی» و «امنیت شهری و آسیب‌های اجتماعی» صحیح است.

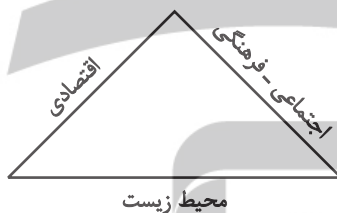
(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۷)

## ۱۰۶- گزینه «۱»

(کنکور سراسری ۱۴۰۲)

شهر پایدار شهری است که در آن نیازهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ساکنان به‌طور مناسب و عادلانه برطرف می‌شود؛ بدون اینکه منافع نسل‌های آینده به خطر بیفتد و شهر و فعالیت‌های شهری کمترین تأثیر نامطلوب را بر محیط‌زیست دارد.

سه رکن شهر پایدار به صورت زیر است که شکل صورت سؤال مغایر با این سه رکن می‌باشد:



این پدیده، پدیده شهرگریزی یا مهاجرت معکوس است که در آن حرکت جمعیت، از شهرهای بزرگ به مکان‌های کوچک‌تر یا روستاها اتفاق می‌افتد. با این پدیده، شهرها مهاجرفرست و روستاها مهاجرپذیر می‌شوند.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۲۸)

## ۱۰۷- گزینه «۱»

(صفا هاضری)

ابتدا مساحت شهر را که به هکتار است تبدیل به متر مربع می‌کنیم و اعداد را در فرمول‌ها جای‌گذاری کرده و پاسخ را محاسبه می‌کنیم:

$$\text{متر مربع } 8,000 \times 10,000 = 80,000,000$$

$$\frac{\text{درصد کاربری}}{\text{مساحت کل شهر}} \times 100 = \frac{2,000,000}{80,000,000} \times 100 = 2/5$$

$$\text{سرانه} = \frac{\text{مساحت (مربع متر)}}{\text{جمعیت (نفر)}} = \frac{2,000,000}{500,000} = 4$$

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۲۹)

## ۱۰۸- گزینه «۴»

(صفا هاضری)

متن صورت سؤال به همه ویژگی‌های عمده «برنامه آمایش سرزمین» به جز توجه به همه ابعاد توسعه اشاره دارد.

(بغرافیا (۳)، سکونگاه‌ها، صفحه ۳۶)

## ۱۰۹- گزینه «۱»

(مهمر ملک آباری زاره - بیریندر)

## بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: در حمل و نقل «الف» ظرفیت کامیون و تریلی برای حمل بار کمتر از حمل و نقل ریلی است. در حمل و نقل «ب» هر قطار باری می‌تواند به اندازه ده‌ها کامیون بار حمل کند. در حمل و نقل «ج» از هواپیما برای حمل کالاهای سبک، کم حجم و ارزشمند یا مواد فاسدشدنی استفاده می‌شود.

گزینه «۳»: در حمل و نقل «الف» میزان مصرف سوخت و آلاینده‌گی محیط زیست بسیار زیاد است. در حمل و نقل «ب» مصرف سوخت  $\frac{1}{4}$  حمل و نقل

جاده‌ای است و آلاینده‌گی آن برای محیط زیست نیز بسیار کمتر است. در حمل و نقل «ج» مصرف سوخت هواپیما نسبت به سایر وسایل حمل و نقل بسیار بیشتر است.

گزینه «۴»: حمل و نقل «الف» برای مسافت‌های کوتاه و حمل و نقل «ب» برای مسافت‌های متوسط و نسبتاً طولانی مناسب است. حمل و نقل «ج» نیز برای مسافت‌های طولانی و صرفه‌جویی در زمان مناسب است.

(بغرافیا (۳)، بغرافای عمل و نقل، صفحه‌های ۴۵، ۴۶، ۴۸ و ۵۵)

## ۱۱۰- گزینه «۲»

(مهمر ملک آباری زاره - بیریندر)

کشتی‌ها در یک طبقه‌بندی کلی به دو دسته مسافربری و باربری تقسیم می‌شوند. کشتی‌های مسافربری خود می‌توانند اقیانوس پیما و کروز باشند و کشتی‌های باربری نیز می‌توانند فله‌بر، کانتینری و رو - رو باشند.

(بغرافیا (۳)، بغرافای عمل و نقل، صفحه‌های ۵۲ و ۵۳)

## فلسفه دوازدهم

## ۱۱۱- گزینه «۳»

(علبرضا نصیری)

زمانی که کودکی به چیزی اشاره کند و بپرسد که: «این چیست؟» به این معناست که او از وجود آن شیء آگاه شده است، اما چستی و ماهیت آن را نمی‌داند. اگر وجود با ماهیت مغایرت نداشت، علم به یکی از آن دو، باعث علم پیدا کردن به دیگری می‌شد. بنابراین این که کودک می‌پرسد: «این چیست؟» در واقع با مغایرت نداشتن وجود و ماهیت در ذهن، در تعارض است و دلیلی بر مغایرت این دو خواهد بود.

## تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: این پرسش کودک، با این که بگویم وجود و ماهیت در جهان خارج و در حیطه مصداق، واحد هستند هیچ تعارضی ندارد.

گزینه «۲»: پرسش کودک هیچ منافاتی با قابل شناخت بودن ماهیات اشیا پیرامونی ندارد.

گزینه «۴»: عبارت بیان شده در گزینه چهارم با این که از اساس، گزاره‌ای غلط است (ما نمی‌توانیم از وجود تک تک اشیا آگاه شویم) اما تعارضی با پرسش کودک ندارد.

(فلسفه دوازدهم، هستی و چیستی، صفحه‌های ۲۲ و ۲۴)

## ۱۱۲- گزینه «۱»

(پرگل رهیمی)

طبق عقیده فلاسفه، حمل این گونه مفاهیم بر ماهیت از نوع حمل اولی ذاتی است و نیاز به دلیل و اثبات ندارد. چرا که این مفاهیم جزء تعریف ماهیت قرار می‌گیرند و بین آن مفاهیم و ماهیت رابطه ذاتی برقرار است.

(فلسفه دوازدهم، هستی و چیستی، صفحه ۵)

## ۱۱۳- گزینه «۱»

(فیروز نژادنیف - تبریز)

از آن جایی که هر دو قضیه «مثلث شکل است.» و «واجب الوجود بالغير ممکن الوجود است.» وجوبی می‌باشند، بنابراین این گزینه، جواب صحیح این تست خواهد بود.

## بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: حیوان انسان است. (امکانی) - آب جسم است. (وجوبی)

گزینه «۳»: گیاه مکان‌دار است. (وجوبی) - مثلث متساوی‌الاضلاع است. (امکانی)

گزینه «۴»: این شکل مربع است. (امکانی) - مربع متوازی‌الاضلاع است. (وجوبی)

(فلسفه دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

## ۱۱۴- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

چیزی که نسبت خودش [= ذاتش] با وجود، وجوبی باشد، نیازی به علت نخواهد داشت که آن علت هم بخواهد همینطور باشد یا نه. (رد گزینه «۱» به همین خاطر می‌توان گفت که چنین موجودی در ترازوی هستی، در نوسان میان وجود و عدم قرار ندارد و وجودش ضروری است. (تأیید گزینه «۳»)

دقت کنید که واجب‌الوجود بالغیر در ذات خودش ممکن است و خودش، به خودی خود و با قطع نظر از وجود علت، هیچ نسبت وجوبی با وجود ندارد، (رد گزینه «۲») نه تنها به واجب‌الوجود بالذات، بلکه به هیچ واجب‌الوجود دیگری هم نمی‌توان در عین بودن نسبت عدم داد. (رد گزینه «۴»)

(فلسفه دوازدهم، پیمان مملکت، صفحه‌های ۱۰ تا ۱۲)

## ۱۱۵- گزینه «۴»

(مهمد آقاصالح)

زمانی که ما قائل به اصل وجوب علی و معلولی باشیم و بپذیریم که میان علت و معلول رابطه‌ای ضروری و حتمی برقرار است، در آن صورت با توجه به عدم معلول می‌توانیم به عدم علت نیز پی ببریم. چون اگر علت موجود بود، معلول نیز ضرورتاً موجود می‌شد و حالا که معلول موجود نیست، در نتیجه علت نیز موجود نیست. (نفی تالی در قیاس استثنایی متصل)

## رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: هرگز نمی‌توان با قطعیت گفت که نخستین مسئله‌ای که ذهن بشر را درگیر کرده چه بوده است.

گزینه «۲»: رابطه علت یک رابطه وجودبخش است. بنابراین در ابتدا وجود دو چیز را فرض نمی‌کنیم.

گزینه «۳»: با آن که علت رابطه‌ای خارجی است، اما مفاهیم فقط در ذهن موجودند. آنچه رابطه‌ای خارجی و غیرذهنی است، خود رابطه علت است، نه مفهوم آن.

(فلسفه دوازدهم، پیمان علی و معلولی، صفحه ۱۴)

## ۱۱۶- گزینه «۴»

(عمیر سوریان)

هیوم که یکی از تجربه‌گرایان بود، ولی دیدگاهی متفاوت با عموم تجربه‌گرایان داشت، معتقد بود ذهن انسان با مشاهده حسی و تجربی حل شدن نبات و شیرین شدن چای، اگرچه معیت دائمی آن‌ها را به طور قطعی درک می‌کند، ولی رابطه‌ای بین آن‌ها درک نمی‌کند و بنابراین اینکه واقعاً این امور بر هم تأثیر دارند یا ندارد، قابل شناخت نیست و ممکن است درست باشد یا نباشد (امری احتمالی به شمار می‌رود). البته هیوم معتقد

است انسان با مشاهده مکرر چنین پدیده‌هایی دچار یک حالت روانی به نام تداعی می‌شود و رابطه‌ای ضروری بین آن‌ها در نظر می‌گیرد (رد گزینه «۲»).

## بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: تجربه‌گرایان درک علت و مصادیق آن را امری مبتنی بر تجربه می‌دانند، نه حسی محض. یعنی بعد از مشاهدات حسی مکرر، عقل باید این مشاهدات را تعمیم دهد و به قانون کلی علت یا به علت بودن یک پدیده برای پدیده دیگر برسد. پس حواس بدون کمک عقل به چنین درکی نخواهند رسید.

گزینه «۲»: این عبارت تشخیص یکی از مصادیق علت را مطرح می‌کند که از نظر دکارت، نیازمند حس و تجربه است، ولی مصداق‌یابی برای علت مستلزم آن است که قبلاً اصل علت را درک کرده باشیم و بنابراین نمی‌توان گفت که چنین تشخیصی ربطی به درک اصل علت ندارد.

(فلسفه دوازدهم، پیمان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

## ۱۱۷- گزینه «۴»

(موسی سپاهی - سراوان)

طبق دیدگاه فلاسفه مسلمان اصل علت مبتنی بر اصل امتناع اجتماع نقیضین است.

## رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: اصل علت پایه و اساس هر تجربه‌ای است.

گزینه «۲»: هر تلاش تجربی خود مبتنی بر اصل علت است.

گزینه «۳»: این گزینه دیدگاه دکارت می‌باشد نه دیدگاه فلاسفه مسلمان.

(فلسفه دوازدهم، پیمان علی و معلولی، صفحه ۱۷)

## ۱۱۸- گزینه «۳»

(فرهاد قاسمی نژاد)

میان پدیده‌هایی که پشت سرهم می‌آیند، ممکن است رابطه علت باشد یا نباشد، اما اگر رابطه علت وجود داشت حتماً رابطه سنخیت هم وجود خواهد داشت.

(فلسفه دوازدهم، پیمان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۸ و ۱۹)

## ۱۱۹- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

مفاد اصل وجوب علی و معلولی چنین است که اگر علت شی‌ای موجود باشد، آن چیز ضرورتاً و بالوجوب، وجود و هستی خواهد یافت و اگر علتش موجود نباشد، هرگز هستی نمی‌یابد. بنابراین اگر بگوییم چیزی که ذاتش امکانی است با وجود علتش، هستی برایش ترجیح نمی‌یابد، این اصل را نفی کرده‌ایم. اما سایر گزینه‌ها تعارضی با اصل وجوب علی و معلولی ندارند.

(فلسفه دوازدهم، پیمان علی و معلولی، صفحه ۱۹)

## ۱۲۰- گزینه «۴»

(مفهم، رضایی‌بغا)

گزینه «۴»: اصل ضرورت علی و معلولی، جهان را تابع رابطه‌ای ضروری و حتمی نشان می‌دهد و موجب تخلف‌ناپذیری و حتمیت در نظام هستی می‌شود. اصل سنخیت میان علت و معلول، نظم خاصی در جهان برقرار می‌کند و امکان برنامه‌ریزی و نظام معین هستی را نتیجه می‌دهد. اصل علیت زمینه‌ساز نگاهی ویژه به جهان و اشیای پیرامونی است و با قبول این حقیقت که هر حادثه علتی دارد، به ارتباط اجزای جهان با یکدیگر و پیوستگی‌شان پی می‌بریم.

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه ۲۰)

## ۱۲۱- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌های)

## بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: معنای اول اتفاق هم مستلزم انکار اصل علیت و هم وجوب علی و معلولی است.

گزینه «۲»: انکار معنای دوم اتفاق ملازم با قبول اصل سنخیت میان علت و معلول است.

گزینه «۳»: تنها زمانی می‌توان غایت‌مندی در میان موجودات این جهان را اثبات کرد که از پیش وجود خداوند به عنوان علت‌العلل و غایت‌الغایات را پذیرفته باشیم.

گزینه «۴»: معنای چهارم اتفاق با هیچ‌یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست و کاملاً ممکن است و به علم ناقص و محدود ما برمی‌گردد.

(فلسفه دوازدهم، کتاب آبی تصویر از جهان، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶)

## ۱۲۲- گزینه «۱»

(مفید، سوریان)

مطلقاً بی‌غایت بودن نظام هستی، در حقیقت همان معنی سوم اتفاق می‌باشد. معمولاً کسانی که این معنا از اتفاق را بپذیرند، وجود علت نخستین و آفریدگار را نفی می‌کنند (قید معمولاً نشان می‌دهد همیشه این‌گونه نیست) (رد گزینه «۳»). البته از نظر منطقی پذیرش معنای سوم اتفاق، مستلزم نفی علت نخستین است و کسانی که با پذیرش این معنای اتفاق، وجود آفریدگار جهان را نفی نمی‌کنند، دچار مغالطه هستند و سخنشان قابل نقد است.

## بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: نظریه دموکریتوس معنای سوم اتفاق و شاید معنای دوم را به ذهن بیاورد، ولی قطعاً به معنای اول ربطی ندارد.

گزینه «۴»: نظریه مه‌بانگ به طور قطعی هیچ‌کدام از معانی ممتنع اتفاق را در پی ندارد؛ بلکه تنها بیان برخی از افراد از این نظریه به گونه‌ای است که تصور اتفاقی بودن (به یکی از معانی ممتنع) را به ذهن می‌آورد. بیشترین معنایی که بیان برخی افراد از این نظریه، ممکن است به ذهن بیاورد، معنای سوم است و برخی معنای اول و دوم را هم از آن برداشت کرده‌اند.

(فلسفه دوازدهم، کتاب آبی تصویر از جهان، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶)

## ۱۲۳- گزینه «۲»

(مفهم، آقاصالح)

افلاطون از خدا به‌عنوان «صانع» یاد می‌کند تا به انسان‌ها یادآوری کند که نظام جهان از وجودی عاقل سرچشمه می‌گیرد.

## رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در جهان حقایق دیگری نیز هست که حقیقت خود را از مثال خیر می‌گیرند.

گزینه «۲»: نام «صانع» یا «دمیورژ» به خداوند در مرتبه خالقیت اشاره دارد و نه به ذات او.

گزینه «۴»: مثال خیر (نه دمیورژ و صانع) در جایگاهی قرار دارد که هیچ موجودی نمی‌تواند به آن برسد.

(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۳۲)

## ۱۲۴- گزینه «۲»

(مفید، آفونتری، راهنماچی)

داستان یوفسکی در رمان «برادران کارامازوف» می‌گوید: اگر خدایی وجود نداشته باشد دیگر هر کاری مجاز است.

این به معنای آن است که وجود خداست که مسئولیت‌پذیری اخلاقی برای ما انسان‌ها می‌آورد.

(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۳۸)

## ۱۲۵- گزینه «۱»

(موسی سپاهی - سروان)

تیلور افلاطون‌شناس مشهور اروپایی، افلاطون را ابداع‌کننده خداشناسی فلسفی می‌داند، زیرا او با نگاهی فلسفی و استدلالی درباره خدا صحبت کرد. بعد از بحران معناداری زندگی در اروپا دسته‌ای از فیلسوفان غربی راه دیگری برای معنابخشی به زندگی پیش گرفتند و از تجربه‌های معنوی درونی و عشق و عرفان برای باور به وجود خدا استفاده کردند که یکی از آنان برگسون بود.

(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه - قسمت اول، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۷)

## ۱۲۶- گزینه «۲»

(علیرضا نصیری)

رشد تفکر حسی و حس‌گرایی و ظهور فیلسوفانی که جهان را حقیقتی صرفاً مادی می‌دانستند و انسان را نیز موجودی مادی صرف می‌شمردند، پایه‌های اعتقاد به خدا را در جامعه اروپایی سست کرد و زندگی دسته‌هایی از مردم را تحت تأثیر قرار داد؛ بدین صورت که معنا و مقصود زندگی در میان آنان در حد اهداف مادی تنزل پیدا کرد و زندگی فاقد معنا و ارزش‌های متعالی گردید و بحران معناداری زندگی پدید آمد. بنابراین آنچه در گزینه «۲» گفته شده نادرست است، چون باور به جهان مادی منافاتی با معناداری زندگی ندارد؛ بلکه اعتقاد به «صرفاً مادی بودن» جهان معنای زندگی را از بین می‌برد.

(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه - قسمت اول، صفحه‌های ۳۷ تا ۳۹)

## ۱۲۷- گزینه «۱»

(عمیر سوریان)

آنچه محال است، پیدایش سلسله‌ای از علت‌های بدون عضو ابتدایی است، نه بدون عضو انتهایی.

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه «۲»: پدید آمدن سلسله‌ی علل مستلزم پذیرش ضمنی این مقدمه است.

گزینه «۳»: ممتنع بودن تسلسل علل نامتناهی مستلزم پذیرش ضمنی این مقدمه است.

گزینه «۴»: مقدمه اول برهان فارابی، وجود برخی موجودات در پیرامون ماست که وجودشان از خودشان نیست و در نتیجه، نیازمند هستند.

(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه - قسمت دوم، صفحه‌های ۴۲ تا ۴۴)

## ۱۲۸- گزینه «۱»

(علیرضا نصیری)

برهان صدیقین، که نامی است که ابن‌سینا در کتاب اشارات به برهان خود در باب اثبات خداوند داده‌است، با توجه به تفکیک میان ممکن‌الوجود و واجب‌الوجود به اثبات خداوند می‌پردازد. از مزایای برهان صدیقین نسبت به برهان فارابی، این است که بطلان تسلسل علل نامتناهی، از مفروضات آن نیست و به همین خاطر با یک فرض کم‌تر به اثبات حکم می‌پردازد. البته زمانی که ابن‌سینا در برهان خود از فرض بطلان تسلسل علل نامتناهی استفاده نمی‌کند، بدین معنا نیست که او وجود بی‌نهایت موجود را می‌پذیرد، بلکه بدین معناست که صرفاً آن را داخل در برهان خویش نمی‌سازد. (دلیل

نادرستی گزینه «۱»)

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه «۲»: هر دو برهان در نهایت، خداوند را به عنوان علت نهایی جهان و موجودات اثبات می‌کنند.

گزینه «۳»: برهان اسد و اخصر برهانی در رد تسلسل علل نامتناهی است که نتیجه آن از مفروضات برهان اثبات وجود خدای فارابی است، اما در برهان ابن‌سینا چنین نیست.

گزینه «۴»: وجود جهان خارجی و شیء‌ای سوی نفس ادراک‌کننده انسان، یا حداقل پذیرش وجود خود انسان، از مفروضات هر دو برهان است.

(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه - قسمت دوم، صفحه‌های ۴۲ تا ۴۶)

## ۱۲۹- گزینه «۳»

(سبا معززاده صابری - برگرفته از کنگور سراسری ۹۹)

در نظریه امکان فقری ملاصدرا گفته می‌شود که خود موجودات هستند که سرتاسر نیاز و فقر می‌باشند و نه ماهیت و ذات آن‌ها. به عبارت دیگر در این نظریه نیازمندی معلول به علت ریشه در وجود دارد نه در ماهیت.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: لازمه امکان ماهوی در نظریه ابن‌سینا ممکن‌الوجود بودن ماهیات یا همان امکان ذاتی آن‌هاست.

گزینه «۲»: در نظریه امکان فقری فقر و نیاز از ناحیه وجود است نه از جانب ذات و ماهیت.

گزینه «۴»: نظریه امکان فقری ارتباطی با حالت امکانی یا ماهیت اشیا ندارد، بلکه نیازمندی و فقر وجودی آن‌ها را در نظر می‌گیرد.

(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه - قسمت دوم، صفحه‌های ۴۳ تا ۴۶)

## ۱۳۰- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌های)

از نظر فلاسفه مسلمان، معیارهای زندگی معنادار بعد از اثبات وجود خداوند است که حاصل می‌شوند.

در گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» معیارهای زندگی معنادار بر پذیرش خدا، مقدم فرض شده است که نادرست است.

(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه - قسمت دوم، صفحه‌های ۴۷ و ۴۸)